

گزارش

گزارشی از دو کنسرت پاپ در تهران

این روزها بازار کنسرت‌های پاپ در تهران بسیار داغ است. تقریباً تمامی تالارهای تهران سالن‌های خود را به گروه‌های مختلف اجاره داده‌اند تا گروه‌های مختلف پاپ و دیگر گروه‌ها برای علاقه‌مندان‌شان کنسرت برگزار کنند. کنسرت گروه آریان و کنسرت محمد اصفهانی دو تا از کنسرت‌های پرطرفدار این روزهاست. ایسنا از این دو کنسرت گزارش‌هایی منتشر کرده که می‌خوانیم.

«آریان» در برج میلاد

به احتمال فراوان بیشتر آنهایی که در بین کنسرت‌های پر تعداد روزهای اخیر، کنسرت گروه آریان را انتخاب کرده بودند، شب شاد و مفرحی را گذراندند. کنسرت گروه آریان در سه شب (۱۲ تا ۱۴ مردادماه جاری) در سالن همایش‌های برج میلاد برگزار شد و این گروه با ترکیب آهنگ‌های جدید و قدیمی خود، به همراه اضافه کردن چند نیروی مستعد و جوان دیگر به گروه، شبی شاد را برای همه به ارمغان آوردند. علی پهلوان و پیام صالحی، دو خواننده جانانشدنی گروه که از سال ۱۳۷۷ کار هنری خود را در کنار یکدیگر آغاز کرده‌اند، در شب‌های کنسرت با لباس‌های سفید موسیقی شادی را برای حضارن به وجود آوردند. در ابتدای کنسرت، وقتی همه ۱۳ عضو گروه یکی پس از دیگری به روی صحنه آمدند، علیرضا میرآقا عضو جدید گروه که تخصصش در سازهای کوبه‌ای است، شروع به خواندن قطعه‌ای از آهنگ «ستاره ای ستاره» یکی از آهنگ‌های گروه آریان کرد که این موضوع مورد استقبال و تشویق حضار قرار گرفت. پس از آن بلافاصله گروه کار خود را با خواندن آهنگ‌های «ستاره» و «ساحل عشق» ادامه دادند. اجرای سوم گروه نیز «صدای پای امید» بود که به سفارش صندوق غذای سازمان ملل متحد ساخته شده و در شب‌های کنسرت به اجرا درآمد. در ادامه کنسرت که نورپردازی مناسب و همراهی مشتاقانه تماشاگران حال و هوای ویژه‌ای به آن داده بود، آهنگ «تو یعنی منم، بارون» اجرا شد و در ادامه دو آهنگ جدید گروه با نام‌های «تو رو کم دارم» و «هفت» به اجرا درآمدند. «باز دوباره به شب عشق ریگمست» نیز ادامه برنامه بود. گروه آریان که داشتن ثبات در گروه و بودن مداوم اعضا در کنار یکدیگر از جمله دلایل موفقیتش در سال‌های اخیر بوده، این بار نیز با حضور عضو جدیدی به نام علیرضا میرآقا سعی داشت میزان هیجان گروه را بیشتر کند. میرآقا که از ابتدا با خواندن آغاز کرد، در ادامه کنسرت پر کاندنن نواخت و در بین اجرای یکی از آهنگ‌ها، ترومپت به دست گرفت. او در یکی از آهنگ‌های گروه نیز از ساز «کاخون» از سازهای بومی و محلی آمریکای مرکزی استفاده کرد. البته میرآقا در ادامه کنسرت سازهای دیگری مثل اکاردئون هم نواخت که در آن آهنگ، سازاز کاشمیری از همخوان‌های گروه کار نواختن پر کاشن را برعهده گرفت. آهنگ‌های «بهونه»، «بذار برم»، «فدصادک»، «خوابم یا بیدار» و آهنگ جدید «از روزی که رفتی» نیز از دیگر کارهای به اجرا در آمده گروه آریان در کنسرت مردادماه تهران بود. علاوه بر پهلوان و صالحی به عنوان خوانندگان گروه سیامک خواهانی نوازنده ویولن گروه نیز از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود. همچنین حضور فراد فخرالدینی، فرزند فرهاد فخرالدینی نیز در گروه آریان به عنوان نوازنده گیتار الکتریک در نوع خود جالب توجه بود.

محمد اصفهانی در تالار کشور

شب ۱۳ مردادماه صندلی‌های تالار وزارت کشور کامل پر شده بود و مردم زیادی برای تماشای کنسرت محمد اصفهانی که سال‌ها در پایتخت کنسرت برگزار نکرده بود، آمده بودند. اما این اجرا در ابتدا با صدای سبوت میکروفن آغاز شد؛ به شکلی که بعد از اجرای آهنگ، محمد اصفهانی گفت: مشکل صدا جدی است و برخی از سازهای ما اصلاً صدا ندارد. اندکی زمان کتید تا عیبیابی و مشکل برطرف شود. این در حالی بود که به گفته او در تنظیم نهایی صدا در سالن، هیچ مشکلی در صدا وجود نداشته است. این کنسرت با اجرای یک قطعه که میکسی از قطعات مشهور محمد اصفهانی بود بدون کلام آغاز شد. میثم مروتسی نیز که در این اجرا سرپرست و سولیست بود، با ویولن، سه‌تار، تنبور و سنتور در بخش‌هایی از قطعات مختلف تکنواری می‌کرد. اولین آواز اصفهانی با شعر علی معلم «جانا بدردالجابی دام دل‌هایی/ از رشک تو زهره گوینا رو چه آرایی؟/ از رخ خوبت هیبات همه به قلقت شه ماتا/ مانده چو گو سر به چوگان من سودایی…» آغاز می‌شود. او پس از اجرای هر قطعه آن را معرفی می‌کرد. قطعات «هوای تو» و «بوی باران» هم اجرا شدند تا میثم مروتسی تا بار سه‌تار را در دست بگیرد و حالا سالن با صدای مردم پر می‌شود: «باور نکن تنهاییات را من در تو پنهانم، تو در من/ از من به من نزدیک‌تر تو/ از تو به تو نزدیک‌تر من». قطعات «ساحل آرامش» و «شب‌افروز» هم با استقبال مردم همراه شدند و بعد محمد اصفهانی قطعه‌ای از سامی یوسف را که در نشست خبری اخیرش نیز از اجرای آن خبر داده بود، اجرا کرد. این قطعه به زبان انگلیسی و عربی بود و او پیش از اجرای این قطعه گفت: سامی یوسف این قطعه را در اعتراض به کشتار کودکان در جنگ‌ها خوانده است و خطایش به پیامبر اسلام (ص) است که پیامبر تو محبت و احترام به کوچک‌ترها و بزرگ‌ترها را به ما آموختی. اما حالا با اسم تو چه جنایت‌هایی می‌شود و اگر می‌دانستند که تو این موضوع بیزاری، هیچ گاه این اتفاقات بد نمی‌افتاد. و دوباره فضای کنسرت با قطعات نوستالژیک اصفهانی همراه می‌شود: «از داغ غمت هر که دلش سوختنی نیست/ از شمع رخس محفلش آفرودختنی نیست». حالا محمد اصفهانی از مردم می‌خواهد با او همراهی کنند و نوازندگان ترانه‌ای با آهنگسازی همایون خرم را می‌نوازند: «امشب در سر شوری دارم/ امشب در دل نوری دارم/ باز امشب در آوج اسامنام/ باشد رازی با سستار گانم/ امشب یک سر شوق و شوم/ از این عالم گویی دورم». این قطعه یک بار دیگر به درخواست مردم تکرار شد. قطعه دلقک که شروع می‌شود، مردم با دست زدن، گروه را تشویق می‌کنند. این قطعه که بارها از تلویزیون پیش شده است، برای مردم خاطرات بسیاری را از سال‌های گذشته و آواز محمد اصفهانی تداعی می‌کند. سپس محمد اصفهانی میکروفن را به دست میثم مروتسی می‌دهد تا اگر می‌خواهد صحبت کند و او هم از نوازندگان گروهش (پارسه) و «پدرام قربوبی» نوازنده ویولن اول ارکستر سمفونیک که در این اجرا گروه نوازندگان او را همراهی می‌کرد، تشکر کرد. از میان جمعیّت مردم قطعات بسیاری را درخواست می‌کردند. «ای ایران ای مرز پرگهر» قطعه پایان‌بخش این کنسرت بود که به احترام «ایران» حضارن را از روی صندلی‌های تالار وزارت کشور بلند کرد.

موسیقی



محمدرضا میرآقا، خواننده گروه آریان

گفت‌وگو با پدرام درخشانی آهنگساز و سرپرست گروه رومی

تلفیق صداها باید با حفظ هویت باشد

همیشه دوست داشته‌ام از موسیقی نواحی در کارهایم استفاده کنم.

اعتقاد دارم موسیقی اصلی ایران نواحی است. این طور هم نیست که من

بگویم چون موسیقی سنتی ایرانی کار می‌کنم فقط باید از ردیف استفاده

کنم. من باید بتوانم از ردیف به عنوان الفبا استفاده کنم و با سازهای

محلی و انرژِی‌ای که در موسیقی نواحی است، تلفیق کنم.

شده نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که اکثراً به سمت ضدموسیقی پیش رفته‌اند. نمی‌شود به صرف استفاده از کلمات و سبک من‌درآوردی نام آن نوع از موسیقی

را بر آن گذاشت. بیشتر آنها هم داخل کشور نیستند و دارند در خارج فعالیت می‌کنند. می‌آیند از چند کلمه هجو و یکسری مطالب سخیف در موسیقی استفاده می‌کنند و نامش را راک ایرانی می‌گذارند. اما چون جدید است و گوش شنونده ایرانی به آن عادت ندارد، خیلی سریع مورد اقبال قرار می‌گیرند و مخاطب را به سمت خود می‌کشاند. این نوع موسیقی هیچ هویتی ندارد و به هیچ عنوان ایرانی نیست. فقط کلمات است که فارسی ادا می‌شوند. بنابراین نمی‌توان به آنها نام راک ایرانی اطلاق کرد. در کل می‌توان این کار را کرد اما نه با این شکلی که این روزها باب شده و می‌شویم. من اگر بر حوزه موسیقی راک مطالعه و تسلط کافی داشتم، می‌توانستم این کار را بکنم. معتقدم باید هویت را حفظ کرد نه اینکه با هویت و خاستگاه موسیقی غرب فقط کلمات فارسی ادا کرد.

–به نظر می‌رسد در آلبوم رومی ۲ موسیقی شما ایرانی‌تر شده و ما لهجه و رنگ ایرانی‌تری را می‌شنویم. آیا خودتان با این موضوع موافقت؟
بله. یکی از دلایل اصلی اشل‌اش حضور سینا سرلک بود. خب نوع خواندن سینا با آن تحریرها کاملاً ایرانی است. اگر خواننده دیگری این کار را می‌خواند، شاید مقداری این لهجه کمتر می‌شد. به علاوه قطعاتی که ساخته و انتخاب کرده‌ام سنتی‌تر و ایرانی‌تر است. رومی ۲ به نسبت رومی یک سنگین‌تر و جدی‌تر است. هنگام ساخت قطعات این طور فکر می‌کردم که باید جدی‌تر باشد. شاید مخاطبان موسیقی سنتی بیشتر به این آلبوم علاقه‌مند نمی‌افتند.اما همه این موارد دلیلی بر این نیست که کارم هویت نداشته باشد. در هر نوع از موسیقی که من کار می‌کنم، باید هویت موسیقی ایرانی حفظ شود.

–چه شد که برای آلبوم رومی ۲ صدای سینا سرلک انتخاب‌کردید؟
مدت زیادی با سینا در سفرهای مختلف و کنسرت‌های متعدد همسفر بودم. در طول این سفرهای طولانی احساس کردم با صدای سینا باید کار کنم. متناسب‌تر بود. مثلاً یکی از قطعه‌ها که بختیاری است و اصلاً با صدای سینا همخوانی دارد.
–اینکه از موسیقی بختیاری هم استفاده کنید، ایده خودتان بود یا آقای سرلک هم پیشنهاد داده بودند؟
اولاً که من موسیقی ایران را با نواحی‌اش دوست دارم. معتقدم باید روی این نوع موسیقی بیشتر کار کرد. خب موسیقی ردیف از اول در تهران بود و اکنون من دارم تدریس می‌شود. به نظرم ردیف فاقد ریتم و انرژی و تحرکی است که باید در شنونده ایجاد شود. اما درمقابل موسیقی نواحی مثل جنوب و کردی و ترکی و آذری و خراسانی در عین حال که جذابند و سازهای مختص خودشان را دارند، پر تحرک و سرشار از انرژی هستند. شما می‌دانید که این موسیقی‌ها از طبیعت سرچشمه گرفته‌اند. و هر چیز مرتبط با طبیعت دارای انرژی و تحرک و پویایی است. همیشه دوست داشته‌ام از موسیقی نواحی در کارهایم استفاده کنم. اعتقاد دارم موسیقی اصلی ایران نواحی است. این طور هم نیست که من بگویم چون موسیقی سنتی ایرانی کار می‌کنم فقط باید از ردیف استفاده کنم. من باید بتوانم از ردیف به عنوان الفبا استفاده کنم

و با سازهای محلی و انرژی‌ای که در موسیقی نواحی است، تلفیق کنم. در این صورت است که کارِ تولید شده خارق‌العاده می‌شود.
– معمولاً در رپر توار موسیقی ایرانی وقتی نوبت به آواز صرف می‌رسد، همه چیز به نفع خواننده کنار می‌رود و همه کارها را خواننده می‌کند؛ از طراحی آواز گرفته تا باقی ماجرا. آیا در آواز بختیاری‌ای که در رومی ۲ می‌شنویم هم همین اتفاق افتاده است یا با آوازی طراحی شده از سوی آهنگساز روبه‌رو هستیم؟

من در ارکستر طوری موسیقی را طراحی می‌کنم که همه سازها نقش خودشان را داشته باشند و خواننده هم در کنار آنها کار کند. اگر کسی توانایی داشته باشد، باید بتواند در این شیوه نقش خود را ایفا کند. باید همه با هم جلو بروند. معتقد نیستم که یکی باید بگذرد. درباره این آواز هم باید بگویم شخصاً آن را دوست داشتم و فکر کردم در لابه‌لای کار آرامشی ایجاد می‌کند که لازمه کار است چون قبل از این قطعه آوازی با یک چهارمضرب پرتحرک روبه‌رو هستیم. از سوی دیگر این آواز مقدمه‌ای است تا به تصنیف بختیاری و بعدتر به قطعه شماره شش که باید نهایت شور و حال را به شنونده منتقل کند، وارد شویم. چهار قطعه است که به هم پیوسته هستند. این پیوستگی در قطعه شش تمام می‌شود و آلبوم با قطعات

بعدی ادامه می‌یابد.
–علت اینکه شما به قطعه شش اول را می‌زنند، کلیدی وجود دارد. کلید ماجرا این است که نباید تعصب داشته باشید و تعصبی به آن نبرید. اگر تعصب خشک نسبت به پدیده‌ای داشته مثل آویژه نمی‌تواند شکل بگیرد. در این صورت شما تمام آن چیزی را که یاد گرفته‌اید، بدون کم و کاست و تکراری پیش می‌برید و هیچ اتفاق جدیدی نمی‌افتد.اما همه این موارد دلیلی بر این نیست که کارم هویت نداشته باشد. در هر نوع از موسیقی که من کار می‌کنم، باید هویت موسیقی ایرانی حفظ شود.

شده است. تمام آن چیزی که دوست داشتم در این قطعه وجود دارد. ضبط و اجرایش هم بدون نقص است. سر سوزن در این قطعه اشکالی وجود ندارد. توصیه‌ام به همین خاطر است.
–آقای درخشانی چه سابقه‌ای از موسیقی ردیف– دستگاهی در موسیقی و کار شما وجود دارد؟

من از ۱۰ سالگی آموختن سنتور را در شهر اصفهان شروع کردم. طبق اصول نوازندگی استاد پاپور نوازندگی سنتور را یاد می‌گرفتم. بعد از آن وارد مرحله جدید شدم. نوازندگی ردیف میرزاعبدالله را در تهران یاد گرفتم. به هر حال هر کسی که بخواهد موسیقی ایرانی را فرا بگیرد، باید ردیف‌ها را یاد بگیرد و بنوازد. حدود ۱۰ سال به طور کامل موسیقی سنتی کار کردم. **–در چه مرحله‌ای از زندگی‌تان وارد حوزه موسیقی تلفیقی شدید؟ چه شد که موسیقی فرهنگ دیگری وارد حوزه فعالیت شما شد؟**

وقتی وارد دانشگاه شدم، موسیقی تلفیقی همیشه در ذهنم بود. متوجه شدم که دیگر نمی‌توانم با سازهای سنتی کارهایی را که دلم می‌خواهد، انجام دهم. دلم می‌خواست موسیقی‌ام هارمونی داشته باشد. مثلاً سازی در ذهنم بود که سفارش ساختش را دادم. نام این ساز «شن‌شان» بود. از این ساز برای آکورد استفاده می‌کردم. در همه کارهایم هم حضور دارد. این احساس همواره با من بود تا اینکه ایده موسیقی تلفیقی را در دانشگاه برای اولین بار با رامین بهتا در میان گذاشتم.

دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۸۹

خبر

ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نازنین آقاخانی اجازه اجرای عمومی نگرفت

مهر: ارسلان کامکار گفت: نازنین آقاخانی رهبر مهمان ارکستر سمفونیک تهران حرفه خود را به خوبی می‌شناسد و به پیچ و خم قطعات وارد است و متاسفم که ارکستر سمفونیک تهران به رهبری وی اجازه اجرای عمومی نگرفت. سرگروه نوازندگان ویولن ارکسترسمفونیک تهران ضمن بیان این مطلب در خصوص میزان آمادگی ارکسترسمفونیک تهران گفت: پس از اجرای ارکستر سمفونیک تهران به رهبری شهداد روحانی تمرین ارکستر به رهبری خانم نازنین آقاخانی ادامه پیدا کرد و نوازنده‌ها تجربه خوبی را با ایشان کسب کردند. به اعتقاد من خانم آقاخانی یکی از نواندیش‌ترین رهبران جوانی است که می‌تواند در بهبود شرایط ارکسترسمفونیک تهران مفید باشد. در همین راستا ارکستر سمفونیک تهران پس از رفتن شهداد روحانی، با حضور این رهبر جوان آفت نکرد و در حال حاضر در بهترین شرایط از جهت کیفی قرار دارد. ارسلان کامکار در ادامه با انتقاد از عدم اجرای ارکسترسمفونیک تهران به رهبری نازنین آقاخانی گفت: طبق برنامه‌ریزی انجام شده قرار بر این بود که پس از پایان تمرین‌ها ارکسترسمفونیک تهران به رهبری نازنین آقاخانی چهار شب اجرای عمومی داشته باشد ولی متأسفانه به‌رغم اعلام این خبر تنها یک شب به شکل خصوصی این کنسرت برگزار شد و این درحالی است که اگر ارکستر سمفونیک تهران به رهبری خانم آقاخانی برگزار می‌شد پیامدهای خوبی را هم برای ارکستر و هم برای هنر موسیقی به همراه داشت.

این نوازنده ویولن در ادامه افزود: یکی از مسائلی که نوازنده‌های ارکسترسمفونیک تهران را نگران کرده است و درباره آن با من صحبت می‌کنند مساله حقوق و بیمه است به این معنا که در گذشته ماهانه حقوق دریافت می‌کردند اما در حال حاضر تصویب شده که برنامه‌ای حقوق بگیرند و این مساله امنیت شغلی آنها را به خطر انداخته است و ارکستر سمفونیک تهران از جهت مسائل اداری در شرایط نابسامانی به سر می‌برد و اعضای ارکسترسمفونیک تهران احساس ثبات



نمی‌کنند. آهنگساز گروه موسیقی کامکار در پایان صحنه‌های خود به کنسرت این گروه موسیقی در سنج‌اج اشاره کرد و گفت: چندی پیش کنسرتی را در جشنواره «ومد» در دو بخش فارسی و کردی در لندن به روی صحنه بردیم. بخش عمده‌ای از قطعات این اجرا جدید بود و تنها چند قطعه قدیمی از ملودی‌های کردی در این رپرتوار وجود داشت؛ در ادامه برنامه‌های گروه موسیقی کامکار همین برنامه را روز گذشته در سنج‌اج به نفع بیماران سرطانی کردستان به روی صحنه بردیم و قرار است امشب نیز اجرای برنامه داشته باشیم و طبق برنامه‌ریزی انجام شده قرار است همین رپرتوار را بعد از ماه رمضان در تهران برگزار کنیم.

نشست پژوهشی منقبت‌خوانی در این‌سینا

نشستی پژوهشی منقبت‌خوانی در حوزه موسیقی و آواز منقبت‌خوانی، به همراه اجرای موسیقی، سشنه‌ی نوزدهم مرداد در فرهنگسرای این‌سینا واقع در شهرک غرب، خیابان ایران‌زمین شمالی، ساعت شش عصر برگزار می‌شود. در این برنامه احمد وکیلیان پژوهشگر موسیقی آیینی و فولکلور ایران و بهروز وجدانی استاد دانشگاه مردم‌شناسی از دید پژوهشی به بخش موسیقی و آواز آن خواهند پرداخت و آقایان مصطفی طیبی، حمید سیدینیا و رضا کدخدایی اجراکنندگان منقبت‌خوانی خواهند بود.

«همه اقوام من» اثر تازه گروه رستاک منتشر شد



آلبوم «همه اقوام من» اثر تصویری گروه موسیقی رستاک به سرپرستی سیامک سپهری و خوانندگی فرزاد مرادی و بهزاد مرادی منتشر شد. این آلبوم مجموعه‌ای از ترانه‌های محلی، شامل قطعاتی چون بارون (لری)، رعنا (گیلکی)، گل گل (آذری)، لیلا (خراسانی)، سوزله (کردی)، بلال (بختیاری)، مروانچ (بلوچی) و پشت‌صحنه آثار می‌شود. گروه «رستاک» متشکل از سیامک سپهری (سرپرست) و نوازنده تار)، فرزاد مرادی (خواننده) و نوازنده قویوز، تارباب، دهل، تامبورین، دوتار و سه‌تار)، رضا علی‌بدین (کمانچه) و تارباب ارشانی)، بهزاد مرادی (خواننده) و نوازنده دف، دهل، قویوز، کوزه، تاس، دسرکوتن و دایره)، یاور احمدی‌فر (دف، دایره، دهل و پیپه)، کاوه سسرویان (سرنا، بالابان و نی‌لیک)، سارا احمدی (دف و سازهای کوبه‌ای) است و لیلا مرآت نیز مدیریت گروه را بر عهده دارد. «همه اقوام» من توسط موسسه سینما ۲۴ و بخش هنر اول در تیراز ۳۰۰ هزار نسخه در سراسر کشور عرضه شده است.